

تحلیل تفسیری راهکارهای جلوگیری از خسران در سوره مبارکه عصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

کد مقاله: ۵۵۵۵۵

ابوالفضل انصاری مقدم^۱

چکیده

انسان موجودی دو بعدی است که دارای قدرت اختیار می‌باشد، وی در زندگی می‌تواند هر فعل درست یا نادرستی را با انتخاب خود انجام دهد. این ویژگی انسان سبب برتری‌اش نسبت به سایر موجودات عالم خلقت شده است. خدای متعال در جاهای مختلف آیات قرآن کریم این مهم یعنی اعطای قدرت اختیار به انسان را یادآوری نموده است. در سوره مبارکه عصر به زیان‌کاری انسان یا در خسران بودن وی پرداخته شده است. پژوهش حاضر با روشی توصیفی تحلیلی به تفسیر سوره مبارکه عصر با تمرکز بر تشریح راهکارهای جلوگیری از خسران می‌پردازد. خسران به معنای زیان کردن، هلاکت و ضلالت ذکر شده است. خدای متعال در سوره مبارکه عصر راه‌های جلوگیری از خسران را بیان نموده است: ۱. ایمان، ۲. عمل صالح، ۳. توصیه به حق و ۴. توصیه به صبر. مطابق با توصیه خدای متعال در این سوره هر کس این چهار راهکار را عمل نماید از خسران و زیان به دور خواهد ماند.

واژگان کلیدی: خسران، سوره عصر، ایمان، عمل صالح، حق، صبر، تفاسیر.

۱- مقدمه

انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده (ص / ۷۲)، بدین رو از یک سو فطرتی الهی و از سوی دیگر، طبیعتی مادی از جنس خاک دارد (مومنون / ۲۱-۲۲). خداوند متعال انسان در بعد روحانی امتیازاتی را نسبت به سایر موجودات اعطا فرمود، از جمله عقل، هوش، محبت و اختیار. پس جسم انسان از بعد مادی و طبیعی وی است و روحش از جنس خدا، یعنی انسان حقیقتی ملکوتی و الهی دارد و حقیقتاً او تنها به جسم مادی او خلاصه نمی‌شود. خدای متعال انسان را برای آزمایش خلق نمود (محمد / ۳۱) تا بتواند برتری خود را نسبت به سایر موجودات اثبات نماید. قرآن کلام خدا و کتاب الهی مسلمانان است که به وسیله فرشته وحی حضرت جبرئیل بر قلب مبارک خاتم النبیین حضرت محمد (ص) نازل گردید. تمامی محتوا و الفاظ قرآن عیناً از سوی خداوند متعال است. قرآن کریم سی جزء دارد و تعداد سوره‌هایش یکصد چهارده است. پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) در حدیثی به نام حدیث تقلین می‌فرماید: «همانا من در میان شما دو چیز سنگین و گران می‌گذارم، که اگر بدانها چنگ زیند هرگز پس از من گمراه نشوید؛ کتاب خدا و عترت من اهل بیتم، و این دو از یک دیگر جدا نشون تا در کنار حوض کوثر بر من آیند، پس بنگرید چگونه پس از من درباره آن دو رفتار کنید، آگاه باشید که این (یعنی تمسک بعترت) آب گوشگوار و شیرین است پس بیاشامید، و آن دیگر (یعنی روی برتافتن از ایشان) آب شور و تلخ است و از آن بپرهیزید» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲۳)، پیامبر (ص) در حدیث توصیه به قرآن می‌کند، که قرآن در دنیا و آخرت برای درست زندگی کردن بندگان نازل شده است. بنابراین خداوند قرآن را برای هدایت اخلاقی انسان نازل نموده است تا به بندگان نشان در چگونه زندگی کمک کند. هر یک از انسان‌ها می‌توانند در هر زمانی دارای انتخاب باشند، برخی با توجه به قرآن و عترت پیامبر عمل نمود و برخی دیگر ممکن است دچار زیانکاری شوند. پس انسان در زندگی با یک انتخاب غیر صحیح می‌تواند مرتکب زیان و خسران در امور فردی یا اجتماعی شود. قرآن می‌فرماید وسوسه‌های شیطان همیشه در کمین انسان است، مگر اینکه انسان در هر یک از انتخاب‌هایش دقت نماید. انسان نباید کاری کند که وسوسه‌های شیطان در او وارد شود. پژوهش حاضر با روشی توصیفی تحلیلی به دنبال تحلیل تفسیری راهکارهای جلوگیری از خسران در سوژه مبارکه عصر است. تا آگاه شود که انسان چگونه از خسران و زیانکاری دور بماند و چگونه در زندگی از خطا کردن دور باشد که در دنیا و آخرت رستگار باشد.

۲- پیشینه پژوهش

در ارتباط با مسئله خسران پژوهش‌های مختلفی تاکنون نگاشته شده است که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد: یاری، حکیمه (۱۳۹۵)، راهکارهای قرآنی در مواجهه با انواع خسران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. مولف در این پایان نامه به راهکارهای مواجهه با خسران با تمرکز بر کلیه آیات در یکصد و چهارده سوره قرآن کریم پرداخته است، در حالی که پژوهش حاضر به دنبال تحلیل تفسیری راهکارهای جلوگیری از خسران با تمرکز بر سوره مبارکه عصر و با تأکید دیدگاه مفسران است. نصرالهی، شیما (۱۳۹۵)، معنا شناسی خسران و علل آن در قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی باختر ایلام. پژوهش ذکر شده به مفهوم شناسی خسران و فلسفه پیدایش خسران در انسان با تمرکز بر کل آیات قرآن پرداخته است که با پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد. هادی طوران پشتی، فهیمه (۱۳۸۹)، معنا و مفهوم خسران و علل و عوامل آن از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. پژوهش مذکور مانند پژوهش پیشین به معنا شناسی خسران و عوامل پدید آمدن خسران در انسان با تمرکز بر کل سوره‌های قرآن پرداخته است. رضاییان، قاسم (۱۳۹۸)، عوامل خسران از دیدگاه قرآن، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی. در مقاله مذکور تنها به عوامل خسران پرداخته شده است. علی نسب، سید ضیاءالدین؛ جلایی نوبری، حسین؛ تنومند، اشرف (۱۳۹۸)، بررسی معنایی واژه خسران در قرآن کریم با تکیه بر مضامین سوره عصر، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۹. نویسندگان در مقاله اخیر به بست مفهومی واژه خسران در سوره مبارکه عصر پرداخته‌اند. مشاهده شد که پژوهش‌های مختلفی در قالب مقاله و پایان‌نامه در موضوع خسران و سوره مبارکه عصر انجام شده که وجه تمایز هر یک از آن‌ها بیان گردید. پژوهش حاضر برای بار نخست راهکارهای جلوگیری از خسران را در آیه سوم سوره مبارکه عصر با تمرکز بر دیدگاه مفسرانی از جمله علامه طباطبایی (ره)، علامه طبرسی (ره)، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله تفتی تهرانی (ره)، آیت الله حسینی شاه عبدالعظیمی (ره)، آیت الله طیب (ره) تشریح و تفسیر نموده است که با پژوهش‌های پیشین متفاوت است.

۳- مفهوم‌شناسی واژه خسران

خسران از ماده «خسر» به معنای نقصان، هلاکت، زیان، گمراهی، کم شدن وزن و کیلو به جهت خسران است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۳۸). به طور کلی خسران به معنی زیان کردن، کم شدن و نیز نقصان، گمراهی و هلاکت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۹۷۷۶). همچنین خسران در لغت به معنی از دست دادن سرمایه و کمبود آن است که گاه به انسان نسبت داده می‌شود و گاه به خود نسبت داده می‌شود و گفته می‌شود (خسر فلان) و گاه به خود عمل، نسبت داده می‌شود و گفته می‌شود (خسرت تجارته). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۶). خسران نفس به معنای آن است که آدمی نفس خود را مورد

هلاکت و بدبختی قرار دهد، به طوری که استعداد کمال اش از بین برود و سعادت به کلی از او فوت شود، به گونه‌ای که دیگر امیدی برای برگشت و یا تحلیل آن نماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۹۵). خسران نسبت به انسان به معنای نقصان در راس المال است و در مورد فعل به معنای خسارت در تجارت است. این واژه هم درباره امور ذهنی و روانی به کار می‌رود و هم درباره چیز های خارجی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۱).

بنابراین خسران در لغت به معنای کم شدن و زیان کردن است و نیز گمراهی و ضلالت است. واژه خسر با مشتقات اش ۶۵ بار در قرآن به کار رفته است و سوره عصر نیز به طور ویژه به عوامل خسران و راه‌های نجات از آن پرداخته است. بنابراین خسران به معنای باختن چیزی است یا مادی باشد یا معنوی ما باید دور از خسران باشیم تا رستگار در دنیا و آخرت داشته باشیم (علی نسب و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵).

در آیه دوم سوره مبارکه عصر می‌خوانیم: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ». صاحب تفسیر مجمع البیان می‌نویسد: «حقا که انسانی هر آینه زیانکار است، این جواب قسم است، و انسان اسم جنس است، و مقصود اینکه او هر آینه در نقصان است برای اینکه هر روز از سرمایه عمر او می‌کاهد و آن سرمایه اوست، پس هر گاه سرمایه رفت و با آن کسب طاعت نکرد بر نقصان و زیان طول دهر او خواهد بود و خسران او زیرا خسروانی و زبانی بزرگ‌تر از استحقاق عقاب دائمی نیست. و بنابر گفته اخفش لقی خسر یعنی در هلاکت است» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۶۳).

برای خسران اقسامی نام بردند:

۱. مادی: خسران مادی همان خسران و نقصان در داشته‌ها و ذخایر مادی است یعنی آسیب یا از دست رفتن سرمایه‌های مالی هر یک از انسان مانند از دست دادن پول.

۲. معنوی: خسران معنوی خسروانی است که به سرمایه‌های معنوی انسان وارد می‌آید یعنی اگر انسان در رشد و پرورش استعدادهای ذاتی و قابلیت‌های درونی کوتاهی کند دچار خسران وجودی یا معنوی می‌شود (علی نسب و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۱۴۹-۱۵۰).

خاصران کسانی هستند که عهد خدا را می‌شکنند و روی زمین فساد می‌کنند (بقره/ ۱۲۱؛ یونس/ ۹۵). این خسران، به اعتقاد مفسران مانند خسران حقیقی است که بر خلاف زبان‌های دنیوی پایدار و جبران ناپذیر بوده و موجب گرفتار شدن به عذاب اخروی است و قرآن از آن به «خسران مبین» یعنی هلاکت آشکار تعبیر کرده است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۵). خسران درباره دستاوردهای زندگی مثل مال و مقام دنیایی است که پیش تر هم چنین است، به کار می‌رود و همینطور در زیانمندی دستاوردها و نتایجی که از حالات نفسانی اصل می‌شود مانند از دست دادن صحت و سلامت و عقل و ایمان و ثواب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۲) و این قسمت دوم یعنی زیان نفسانی و روانی همان است که خدای متعال آن را خسران مبین نامیده است (علی نسب و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۴۹).

۴- معرفی سوره مبارکه عصر

سوره عصر یکصد و سومین سوره از سوره‌های قرآن است که در جزء سی‌ام قرآن جای دارد، این سوره در حزب ۶۰ واقع شده است. تعداد آیات این سوره همانطور که بیان شد در ۳ آیه بیان شده است و شامل ۱۴ کلمه است و ۷۳ حروف است. مفهوم کلی این سوره، بیدارگری انسان، و عوامل نجات و سعادت است که آیاتش به شرح ذیل می‌باشد:

﴿وَالْعَصْرِ﴾ ﴿۱﴾ «سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]»

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ ﴿۲﴾ «که واقعا انسان دستخوش زیان است»

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ ﴿۳﴾ «مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و

همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند»

مراد از عصر، وقت عصر، یعنی آخرین روز، منظور از آخرین روز یعنی روز قیامت روز یوم الحساب، چون این وقت دلالت دارد بر تدبیر ربوبی که روز را می‌برد و شب را می‌آورد و قدرت و سلطنت را از سلطان روز یعنی خورشید سلب می‌کند. و بعضی دیگر گفته‌اند: مراد نماز عصر است که نماز وسطی است که از همه نمازهای یومیه فضیلت بیشتری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۰). سوره عصر به خاطر قسمی که خداوند به این واژه یاد کرده است به این نام مشهور گشته است، اکثراً مصاحف و کتب تفسیری نیز از این سوره به نام سوره عصر یاد کرده‌اند. هر چند که در برخی تفاسیر و نیز از قول ابن عباس سوره والعصر به اثبات او نیز آمده است (دوسری، ج ۵، ص ۵۵۲).

۵- تحلیل تفسیری راهکارهای جلوگیری از خسران در سوره مبارکه عصر

در این بخش به تحلیل و تفسیر راهکارهای معرفی شده در مورد جلوگیری از خسران با استفاده از دیدگاه مفسران می‌پردازیم:

۵-۱- راهکار اول: ایمان

خدای متعال در بخش اول آیه سوم سوره مبارکه می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا»، جز کسانی که ایمان آوردند. در اینجا ایمان با حرف «الا» استثنا شده است، یعنی از شمول آیه قبل جدا شده است. ایمان یکی از مهمترین مؤلفه‌های اعتقادی هر مسلمان به شمار می‌رود و در این آیه به عنوان اولین مؤلفه برای در امان ماندن از خسران معرفی شده است که در ذیل به بررسی تفسیری این مفهوم خواهیم پرداخت:

۵-۱-۱- دیدگاه تفسیر مجمع البیان

مرحوم طبرسی (ره) صاحب تفسیر مجمع البیان می‌نویسد: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کار پسندیده از عبادت کردند، استثناء کرد و جدا نمود از میان مردم مؤمنانی که توحید خدا را تصدیق نمودند». (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۶۳).

۵-۱-۲- دیدگاه تفسیر المیزان

علامه طباطبایی (ره) در ذیل عنوان ایمان در آیه سوم سوره مبارکه عصر فرمود: «مراد از ایمان، ایمان به خدا، و مراد از ایمان به خدا ایمان به همه رسولان او، و مراد از ایمان به رسولان او اطاعت و پیروی از ایشان است، و نیز ایمان به روز جزا است همچنان که قرآن در جای دیگر تصریح کرده به اینکه کسانی که به بعضی از رسولان خدا ایمان دارند، و به بعضی ایمان ندارند، مومن به خداوند متعال نیستند» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲۰، ص ۶۱۱).

۵-۱-۳- دیدگاه تفسیر اطبیب البیان

تفسیر اطبیب البیان در توضیح ایمان می‌نویسد: «مراد از ایمان، اول یقین قطعی، دوم دل بستگی، سیم اقرار و عدم انکار، آرام تسلیم که مکرر توضیح داده شده با ملاحظه اینکه منکر ضروریات دین و مذهب نشود و به مقدسات دین اهانت نکند و اعمالی که باعث زورال دین می‌شود از او سر نزند» (طبیب، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۲۲۳).

۵-۱-۴- دیدگاه تفسیر نمونه

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می‌فرماید: «مراد از ایمان، بنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد و به تعبیر دیگر از عقاید انسان و افکار او، و به همین دلیل تمام انبیای الهی قبل از هر چیز به اصلاح مبانی عقیدتی آنها می‌پرداختند و در تعبیر دیگری که ایمان به خدا و رسولان و اطاعت و پیروی کردن از آنها» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۵۷۶).

۵-۱-۵- دیدگاه تفسیر روان جاوید

تفسیر روان جاوید در توضیح ایمان می‌نویسد: «مراد از ایمان، به توحید خدا و نبوت پیغمبر آخرالزمان و امامت امیرالمومنین و اولاد طاهرین او و آنچه باید به آن معتقد باشند از عقاید حقه به جا آورند و به تعبیر دیگر به امام آخرالزمان باید معتقد شد». (تقفی تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۴۳۱).

۵-۱-۶- سایر دیدگاه‌ها

شهید مرتضی مطهری (ره) در مورد مشخصه‌های ایمان مواردی را نام برده است:

۱. ایمان نوعی دل بستگی است.
۲. ایمان معرفت نیست هر چند شناخت جزو اصلی ایمان دینی به حساب می‌آید.
۳. ایمان می‌تواند مبتنی بر اصول منطقی باشد، ولی حوزه علم و متمایز از حوزه‌های ایمان است (شهید مطهری، ۱۳۵۸، صص ۲۱-۲۲).

برای ایمان مراتبی وجود دارد که به در ذیل به تعریف آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱. ایمان تقلیدی: یعنی چون بزرگترهای مان و والدین مان یا فرد مطمئنی مومن شده است منم مومن می‌شوم، این نوع ایمان واقعی نیست زیرا بسیار زود در اثر وقوع حادثه‌ای یا اشکال مستشکلی فرو می‌ریزد.
۲. ایمان استدلالی: که فرد مومن با دلیل و برهان به ایمان دست می‌یابد این ایمان هم هر چند قوی هم باشد ولی در اثر التقاءات و اشکال‌های تزلزل شده و کم کم وسوسه در قلب او پیدا می‌شود و در نهایت پای این گونه استدلالیان چون بین بوده و سخت بی تمکین و غیر قابل اتکاء است.

۳. ایمان به توأم با یقین: که فرد مومن به مرحله‌ای می‌رسد که به حقیقت علم، راه پیدا می‌کند، زیرا راه صحیح همین است و جز این نیست. البته ایمان توأم با یقین دو گونه است: یک وقت علم را از طریق استدلال و برهان به دست آورده و می‌داند که

مطلب همین است این خوب است، ولی بزرگان، سالکین و پرهیزکاران، ایمان توأم با یقین را از طریق مشاهده به دست آورده‌اند که از طریق استدلال یعنی با از بین بردن حجاب‌های دنیوی و دوری از آن‌ها (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۷؛ هاشمی خویی و حسن زاده آملی، ۱۴۰۰، ج ۱۲، ص ۱۳۵).

۵-۲- راهکار دوم: عمل صالح

خدای متعال در بخش دوم آیه سوم سوره مبارکه می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ ... عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»، جز کسانی که عمل شایسته انجام می‌دهند. عمل شایسته همان کارهای پسندیده است که ما انسان‌ها می‌توانیم انجام دهیم، عمل صالح مانند کمک کردن به دیگران، قرآن خواندن، عمل صالح به عنوان دومین عنوان برای در امان ماندن از خسران معرفی شده است. عمل صالح همان عمل خالص است که هر کار مفید و سازنده‌ای مشمول این مفهوم وسیع و گسترده است مانند خودسازی، عبادت، دعوت به حق، حمایت از مظلومان و مبارزه با ظالم که اگر این‌ها به خاطر دا انجام گیرد مایه تکامل انسان می‌شود زیرا انگیزه الهی و خدایی است که به عمل انسان عمق می‌دهد، و نورانیت می‌بخشد و جهت صحیح می‌دهد و تا حقیقت اخلاص در عمل نیاید. در ادامه به بررسی تفسیری این مفهوم قرآنی خواهیم پرداخت:

۵-۲-۱- دیدگاه تفسیر المیزان

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «جمله عمل صالح بر عمل به همه اعمال صالح دلالت دارد از آن استفاده می‌شود که مومنان گنهکار نیز در خسرانند، این است که به همه اعمال صالح متصف باشد. پس این جمله استثنایی شامل فاسقان بعضی از صالحات را انجام می‌دهند و نسبت بعضی دیگر فسق می‌شود می‌ورزند نمی‌شود». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۲).

۵-۲-۲- دیدگاه تفسیر نمونه

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: آری «صالحات» همان «اعمال شایسته آمد» نه فقط عبادات، نه تنها انفاقی فی سبیل الله، نه فقط جهاد در راه خدا، نه تنها کسب علم و دانش، بلکه هر کار شایسته‌ای که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الی الله پیشرفت جامعه اسلامی در تمام زمینه‌ها شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۷۶).

۵-۲-۳- دیدگاه تفسیر اثنی عشری

در تفسیر اثنا عشری آمده است: «به جا آورند کارهای پسندیده و شایسته راه زیرا هر روز و شبی که بر ایشان گذشته، به سرمایه عمر خود اکتساب درجه‌ای از درجات بهشت کرده‌اند. و بدین جهت ریح برده‌اند و به حیات سرمدیه و سعادت اخرویه فایز گشتند» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۳۳۸).

۵-۲-۴- دیدگاه تفسیر اطيّب البیان

در تفسیر اطيّب البیان می‌خوانیم: «و عمل صالح گفتیم مراد جمیع اعمال صالح نیست چون ممکن نیست بلکه همین که واجبات را ترک نکند و به قدر میسور مستحبات را به جا آورد و به تعبیر دیگر اینکه در زندگی کارها پسندیده انجام می‌دهیم تا مورد رحمت خداوند متعال شویم» (طیب، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۲۲۳).

۵-۲-۵- سایر دیدگاه‌ها

بیان شد که مفسران، عمل صالح را یک مفهوم کلی و برابر با کار نیک و خوب دانسته و هیچ تفکیکی میان این واژه و واژه‌های مشابه مانند: عمل حسن، عمل خیر و ... قائل نشده‌اند. عمل صالح، شامل ادای واجبات و ترک محرمات شامل هر عملی که فعل یا ترک آن به صلاح فرد، جامعه، دین، دنیا، و آخرت انسان باشد می‌گردد. (خوش دل مفرد، ۱۳۸۸، ص ۵)

تحلیل رابطه مفهومی عمل صالح با واژه‌های مرتبط:

۱. عمل صالح و عمل خیر: خیر، واژه‌ای است جامع و فراگیر و معنای آن تقریباً هر چیزی را که به لحاظ ارزشمند، مطلوب و سو درسان باشد، شامل می‌شود و حتی در متن محدوده قرآن، دامنه معنایی آن، هم زمینه امور دنیوی و هم زمینه معتقدات دینی را در بر می‌گیرد. کاربرد خیر در زمینه‌های مادی و دنیوی موارد معدودی است.
۲. عمل صالح و عمل حسن: واژه حسن مانند خیر، دارای کاربردی بسیار وسیع است که می‌توان آن را درباره هر چیز که احساس خوش، رضایت و زیبایی در ما برانگیزد، به کاربرد و دامنه کاربرد آن مانند خیر، هم امور دینی وهم دنیوی را شامل می‌شود به عنوان مثال در سوره نحل / ۶۷ (حسن) به معنای (لذیذ) به کار رفته است.
۳. عمل صالح و عمل سببی: عمل صالح در آیات زیادی از قرآن در تضاد با سیئه آمده است، مانند: سوره جاثیه / ۲۱. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، دلیل این تقابل این نیست که این که دو واژه ضد یکدیگر هستند بلکه واژه متضاد با سیئه حسنه است، در

نتیجه، سیئه متضاد دقیقی برای عمل صالح نیست و متضاد دقیق عمل صالح (باتوجه با آیات قرآن) (فسق) خروج از اطاعت است (خوش دل مفرد، ۱۳۸۸، صص ۱۳-۱۵).

۵-۳-۳- راهکار سوم: توصیه به حق

خدای متعال در بخش سوم آیه سوم سوره مبارکه عصر می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ ... تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»، جز کسانی که توصیه به حق می‌کنند، توصیه به حق همان سفارش کردن به خوبی هاست، یعنی همدیگر را به خوبی سفارش کنیم و در این آیه به عنوان سومین عنوان برای در امان ماندن از خسران معرفی شده است که در ذیل به بررسی تفسیری این مفهوم خواهیم پرداخت:

۵-۳-۱- دیدگاه تفسیر مجمع البیان

تفسیر مجمع البیان می‌نویسد: «(وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ) یعنی بعضی از ایشان برخی دیگر را بمتابعت حق و دوری کردن از باطل سفارش نمودند. و بنا بگفته حسن و قتاده: حق قرآنست یعنی سفارش قرآن را بهم نمودند، و بگفته مقاتل: حق ایمانست و توحید. و بعضی گفته‌اند: حق آن است که در موقع مردن به کسان خود که جای گزینان آن‌ها بگویند، از دنیا نروید مگر آنکه شما مسلمان باشید» (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۶۳).

۵-۳-۲- دیدگاه تفسیر المیزان

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان می‌نویسد: «کلمه (تواصی) به معنای سفارش کردن به یکدیگر است، تواصی به حق یعنی: یکدیگر را به حق سفارش کنند، سفارش کنند به اینکه از حق پیروی نموده و در راه حق استقامت و مداومت کنند، پس دین حق چیزی به جز پیروی اعتقادی و عملی از حق، و تواصی بر حق نیست، و تواصی بر حق عنوانی است وسیع‌تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر، چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی‌شود، ولی تواصی برحق، هم شامل امر به معروف می‌شود و هم شامل عناوین مذکور» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۲).

۵-۳-۳- دیدگاه تفسیر اثنی عشری

تفسیر اثنی عشری در ادامه می‌فرماید: «(وتواصی بحق) و وصیت کنند همدیگر را به امر ثابت راست و درست از اعتقاد و عملی که جایز نباشد عقلاً و شرعاً انکار آن، مانند: توحید و اطاعت و اتباع کتب و رسول و زهد در دنیا و رغبت در آخرت». (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۳۳۸).

۵-۳-۴- دیدگاه تفسیر نمونه

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می‌فرماید: «(تواصی به حق) یعنی دعوت همگانی و عمومی به سوی حق اشاره می‌کند تا همگان حق را از باطل به خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند و در مسیر زندگی از آن منحرف نگردند». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۵۷۷).

۵-۳-۵- دیدگاه تفسیر اطبیب البیان

تفسیر اطبیب البیان می‌نویسد: «(وتواصی بحق) یعنی: به اهل بیت و بستگان و خویشان و رفقا و هر که را بتواند سفارش کند به حق و حقیقت و در فعل واجبات و ترک محرمات و تقویت ایمان و تزکیه اخلاق و ازدیاد معرفت و سایر نیکی‌ها». (طبیب، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۲۲۳).

۵-۳-۶- سایر دیدگاه‌ها

تواصی و حق در اصطلاح به معنای سفارش کردن یکدیگر به تمام خوبی‌ها است و عقاید اسلامی و اخلاق دینی به عبارت دیگر تواصی به حق، یک دعوت همگانی به سوی خداوند و حق است تا همگان حق را از باطل به خوبی تشخیص بدهند و آنان را فراموش نکنند. (مرادی، ۱۴۰۱، صص ۷-۸). اقسام تواصی به حق به شکل زیر بیان می‌شوند:

۱. **کلامی:** یکی از اقسام تواصی و حق، تواصیبا کلام است، شایان ذکر است انسان‌ها در زندگی اجتماعی خویش، به صورت‌های مختلف بر یکدیگر تأثیرات مفید یا مضر می‌گذارند و بیشتر تأثیراتی که آنها بر یکدیگر دارند از طریق گفتار است. گاه انسان بدون اینکه متوجه باشد از کجا تأثیر پذیرفته، احساس می‌کند رفتار او تغییر کرده است، بسیاری از اوقات تصور می‌کند عامل این تغییر خودش است، در حالی که رفتارش تحت تأثیر گفتار دیگری تغییر کرده است.

۲. **عملی:** منظور از تواصی عملی این است که مومنان با عمل و رفتار خویش، یکدیگر را به پیروی از حق و دوری از باطل سفارش کنند، و فقط به تواصی گفتاری اکتفا نکنند، چرا اکتفا کردن به تواصی گفتاری موجب می‌شود حال آنان شبیه حال علمای بی‌عمل بنی اسرائیل شود. (همان، صص ۹-۱۷).

۵-۴- راهکار چهارم: توصیه به صبر

خدای تعالی در بخش چهارم آیه سوم سوره مبارکه عصر می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ ... تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»، جز کسانی که توصیه به حق می‌کنند، توصیه به صبر همان سفارش کردن به صبر است یعنی همدیگر را به صبر کردن سفارش کنیم و در این آیه به عنوان چهارمین عنوان برای در امان ماندن از خسران معرفی شده است که در ذیل به بررسی تفسیری این مفهوم خواهیم پرداخت:

۵-۴-۱- دیدگاه تفسیر مجمع البیان

تفسیر مجمع البیان می‌نویسد: «(وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) حسن و فتاده گویند: یعنی بعضی از ایشان برخی دیگر را سفارش میکردند، بر صبر و شکیبایی بر تحمل ناراحتیها و دشواریها در طاعت خدا و بصبر کردن و شکیبایی نمودن از معصیتهای الهی، یعنی این گروه در خسران و زیان نیستند بلکه ایشان در بزرگترین سود و زیادی هستند زیرا بسبب کسب طاعت و انفاق عمر در راه طاعت سود و ثواب را می‌برند، پس مانند آنست که سرمایه‌شان باقی مانده چنانچه تاجر وقتی سرمایه از دستش بیرون رفت و سودی عایدش شد این را رفتن سرمایه نمی‌گویند». (طبرسی، بی تا، ج ۲۷، ص ۲۶۳).

۵-۴-۲- دیدگاه تفسیر المیزان

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «منظور از تواصی به صبر این است که همدیگر را به صبور بودن توصیه کنیم و مراد از صبر اعم از صبر بر اطاعت خدا و صبر از معصیت و صبر در برخورد با مصائبی است که به قضا و قدر خدا به آدمی می‌رسد». (المیزان، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۳).

۵-۴-۳- دیدگاه تفسیر نمونه

آیت الله مکارم شیرازی در ادامه می‌فرماید: «(صبر) در اینجا نیز معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می‌شود، و هم صبر در برابر انگیزه‌های معصیت و هم صبر در برابر مصائب و حوادث ناگوار، و از دست دادن نیروها و سرمایه‌ها و ثمرات». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۵۷۷).

۵-۴-۴- دیدگاه تفسیر اطیب البیان

در تفسیر اطیب البیان نوشته شده است: «(وتواصی بصبر) در مصائب و بلیات و تحمل مشاق غیادات و جلوگیری نفس از معاصی که سه درجه صبر است و در اخبار تفسیر شده به ولایت چون روح ایمان است و بدون ولایت یک مجسمه بیش نیست». (طیب، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۲۲۳).

۵-۴-۵- سایر دیدگاه‌ها

با توجه به مجموع آیات قرآن می‌توان گفت صبر به معنای استقامت و پایداری در برابر تمام علل و عواملی است که انسان را از رسیدن به کمالاتی که خداوند بشر را برای آن خلق کرده باز می‌دارند.

صبر در آیات قرآن به سه نوع مختلف آمده است:

۱. صبر در برابر گناه و معصیت: خداوند انسان را به صبر و استقامت در مقابل گناه و معصیت فرا می‌خواند (یوسف/۹۰)، خداوند پاداش و مزد این صبر و رنج‌ها را فراموش نخواهد کرد.

۲. صبر در عبادات و واداشتن نفس: خداوند در آیات متعددی پیامبر (ص) و مومنین را در برابر سختی‌های عبادت به صبر دعوت می‌کند (مریم/ ۶۷) در تفسیر کشف اسرار میبیدی آمده است: صبر کن بر عبادت‌ش دلیل است بر آنکه عبادت سخت و خسته کننده است و ملاک مومن صبر بودن است (میبیدی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۷۶).

۳. صبر در برابر مصائب و رویدادهای سخت: خداوند در بعضی از آیات قرآن مسلمانان را در برابر حوادث و رویدادهای سخت همانند مرگ عزیزان و از دست دادن اموال و دارایی همراه می‌آورد به صبر و پایداری فرا می‌خواند (بقره/۱۵۱).

۶- نتیجه گیری

خدای در سوره مبارکه عصر چهار راهکارها بیان می‌فرماید تا انسان چگونه از خسران دور باشد. خسران به معنای زیان کردن، کم شدن و نیز زیان و گمراهی آمده است. زیان کردن مانند زیان در سلامتی یعنی از دست دادن سلامتی کم شدن، مانند کم شدن ایمان یعنی فردی در گذشته ایمان داشته است و اما بعد از مدتی سطح ایمان وی کم شده است تا اینکه به گمراهی و تاریخی

برسد و بتواند مسیر و راه هدایت را تشخیص دهد. در پژوهش حاضر راهکارهای جلوگیری از خسران با تمرکز بر سوره مبارکه عصر به ترتیب ذیل تحلیل و تفسیر شدند:

۱. **راهکار اول: ایمان:** منظور از ایمان این است که ما به خدا و رسولان و اهل بیت یقین داشته باشیم و از آنان پیروی کنیم، ایمان اینگونه نیست که به زبان بگوییم ما به آنان یقین و ایمان داریم، این طور افراد مومن نیستند، ما باید ایمان واقعی داشته باشیم و از خداوند و رسولش و اهل بیت پیروی کنیم تا ما بندگان خداوند رستگار از دنیا برویم.
۲. **راهکار دوم: عمل صالح:** منظور از عمل صالح این است که صالحات همان اعمال شایسته‌اند، یعنی کارهای پسندیده و شایسته در زندگی مثل جهاد در راه خدا، انفاق در راه خدا، کمک کردن به دیگران و به تعبیر دیگر انجام واجبات و ترک محرمات.
۳. **راهکار سوم: توصیه به حق:** منظور از توصیه به حق این است که توأسی به معنای سفارش کردن است، یعنی ما در زندگی همدیگر را به حق سفارش کنیم و همدیگر را دعوت به خوبی کنیم و وصیت کنیم همدیگر را به حق مانند توصیه به عبادت و توصیه به ترک محرمات و به تعبیری دیگر امر به معروف.
۴. **راهکار چهارم: توصیه به صبر:** توصیه به صبر این گونه است که همدیگر را به صبور بودن توصیه کنیم و به تعبیر دیگری صبر به معنای استقامت و پایداری در برابر تمام علل و عواملی است که انسان را از رسیدن به کمالات باز می‌دارد.

منابع

- قرآن کریم،** ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۳۰۸)، لسان العرب، لبنان- بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
 ۲. بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۵)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
 ۳. ثقفی تهرانی، میرزا محمد (۱۳۸۳)، تفسیر روان جاوید، قم: انتشارات برهان.
 ۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بی احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات.
 ۵. دوسری، منیره (۱۴۲۹)، اسماء سور القرآن و فضائلها، عربستان- دمام: انتشارات دار ابن الجوزی.
 ۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه اسلامی تهران.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان- بیروت: دار الشامیة.
 ۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
 ۹. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی.
 ۱۰. طبری، محمد بن جریر بن یزید (بی‌تا)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
 ۱۱. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان- بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۲. طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات موسسه سبطین.
 ۱۳. فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۰۹)، العین، قم: انتشارات دار الهجره.
 ۱۴. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: موسسه آل البیت.
 ۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۸۶)، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة.
 ۱۶. میدی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، تفسیر کشف اسرار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۱۷. هاشمی خوبی، حبیب الله؛ حسن زاده آملی، حسن؛ کمره ای، محمد باقر (۱۴۰۰)، منهاج البراعه، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه.
 ۱۸. خوش دل مفرد، حسین (۱۳۸۸)، بررسی حوزه معنایی عمل صالح در قرآن، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۴، ص ۵.
 ۱۹. رضاییان، قاسم (۱۳۹۸)، عوامل خسران از دیدگاه قرآن، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش های دینی، ص ۲.
 ۲۰. رضوی طوسی، مجتبی، (۱۳۹۱)، مفهوم ایمان در آثار استاد مطهری و پل تیلیش، مجله قیسات، شماره ۶۷، ص ۱۸۲.
 ۲۱. علی نسب، سید ضیاءالدین؛ جلایی نوبری، حسین؛ تومند، اشرف (۱۳۹۸)، بررسی معنایی واژه خسران در قرآن کریم با تکیه بر مضامین سوره عصر، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۹، صص ۱۴۵-۱۵۰.
 ۲۲. مرادی، فاطمه (۱۴۰۱)، توأسی به حق و نقش آن در تحقق جامعه ایمانی با تاکید بر سه آیه سوره عصر، شماره ۳، صص ۱۹ تا ۱۹.
 ۲۳. هادی، ابراهیم؛ ماهیار، عباس (۱۳۸۲)، بازتاب مفهومی قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۲، صص ۴-۵.